



دانشگاه خوارزمی تهران

دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی بالینی

موضوع:

بررسی کارکرد های اجرایی در افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی

استاد راهنما

دکتر علیرضا مرادی

استاد مشاور

دکتر جعفر حسنی

دانشجو

محمود منصوری

تابستان ۹۱

## چکیده

ناگویی خلقی به دسته ای از ضعف فرایندهای هیجانی اشاره دارد. فرضیه های سبب شناسی اظهار می کنند که در این افراد اختلال قشر پیشانی، که بر بدکارکردی اجرایی دلالت دارد، نقش مهمی دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی حافظه دیداری و کارکردهای اجرایی در افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی (بجز دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی) دانشگاه خوارزمی بود. از این میان ۵۷۱ نفر به روش تصادفی نسبی انتخاب و مقیاس ناگویی خلقی تورنتو را تکمیل نمودند. نمونه مورد مطالعه شامل سه گروه ۲۲ نفری از افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بالا، متوسط و پایین همراه با همتاسازی در متغیرهای جمعیت شناختی بود. روش پژوهش از نوع پس رویدادی بود و ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس ناگویی خلقی تورنتو (TAS-20)، پرسش نامه افسردگی و اضطراب بک، حافظه فعال و کسلر، اشکال پیچیده ری، آزمون دسته بندی کارتهای ویسکانسین، آزمون برج لندن، آزمون استروپ و آزمون شاخص پردازش اطلاعات بود. داده های توصیفی و استنباطی پس از جمع آوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به طور کلی نتایج نشان داد که با کنترل متغیرهای اضطراب و افسردگی گروه دارای خصوصیات ناگویی خلقی بالا در همه مقیاس های مورد مطالعه (بجز تعداد خطا در آزمون استروپ، طبقه های تکمیل شده در آزمون ویسکانسین و تعداد حرکات در آزمون برج لندن) نسبت به دو گروه دیگر عملکرد ضعیف تری داشتند. نتایج پژوهش حاضر نقش تشخیص و توصیف هیجان را در سیستم شناختی پررنگ و لزوم توجه بیشتر به رابطه این مولفه ها و کارکردهای شناختی را مورد تاکید قرار می دهد.

**کلید واژه ها:** کارکردهای اجرایی، حافظه دیداری - فضایی، ناگویی خلقی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول</b>
۲	۱-۱ مقدمه .....
۳	۲-۱ بیان مسئله .....
۱۰	۳-۱ هدف های پژوهش .....
۱۰	۱-۳-۱ هدف کلی .....
۱۰	۲-۳-۱ هدف های جزئی .....
۱۰	۴-۱ فرضیه ها .....
۱۱	۵-۱ تعریف نظری و عملیاتی متغیر ها .....
۱۱	۱-۵-۱ تعریف های نظری .....
۱۲	۲-۵-۱ تعریف های عملیاتی .....
۱۲	۶-۱ ضرورت انجام پژوهش .....
۱۲	<b>فصل دوم</b>
۱۵	۱-۲ شناخت و هیجان .....
۱۸	۱-۱-۲ تعیین کننده های شناختی هیجان .....
۱۹	۲-۱-۲ نقش ارزیابی در هیجان .....
۲۰	۲-۲ ناگویی خلقی .....
۲۳	۱-۲-۲ سبب شناسی ناگویی خلقی .....
۲۵	۱-۱-۲-۲ نظریه ژنتیکی .....
۲۶	۲-۱-۲-۲ عامل های عصبی-زیستی مرتبط با ناگویی خلقی .....
۲۸	۳-۲ هوش هیجانی .....
۲۹	۴-۲ تنظیم هیجانی .....
۳۰	۵-۲ کارکردهای اجرایی .....
۳۲	۱-۵-۲ تعریف نظام کارکردهای اجرایی .....
۳۴	۲-۵-۲ ارتباط بین قشر پیشانی و کارکردهای اجرایی .....
۳۵	۳-۵-۲ گستردگی شبکه کارکردهای اجرایی .....

۳۷	..... ۴-۵-۲ مولفه های کارکرد اجرایی
۳۷	..... ۱-۴-۵-۲ برنامه ریزی
۳۹	..... ۲-۴-۵-۲ بازداري
۴۰	..... ۳-۴-۵-۲ توجه
۴۲	..... ۴-۴-۵-۲ حافظه
۴۳	..... ۵-۴-۵-۲ حافظه فعال
۴۷	..... ۶-۲ پژوهش های عصب- روان شناختی

### فصل سوم

۴۹	..... ۱-۳ طرح پژوهش
۴۹	..... ۲-۳ جامعه آماری، حجم نمونه، و روش نمونه گیری
۵۰	..... ۳-۳ ابزارهای پژوهش
۵۰	..... ۱-۳-۳ ابزارهای ارزیابی بالینی
۵۲	..... ۲-۳-۳ ابزارهای سنجش عصب روان شناسی
۵۷	..... ۴-۳ شیوه گردآوری داده ها
۵۷	..... ۵-۳ روش اجرای آزمون ها
۵۸	..... ۶-۳ روش تجزیه و تحلیل داده ها

### فصل چهارم

۶۰	..... ۱-۴ یافته های توصیفی
۶۲	..... ۲-۴ یافته ها در چهارچوب فرضیه های پژوهش

### فصل پنجم

۷۷	..... ۱-۵ عملکرد افراد در آزمون های عصب روان شناختی
۸۳	..... ۲-۵ نتیجه گیری
۸۵	..... ۳-۵ محدودیتهای پژوهش
۸۵	..... ۴-۵ پیشنهادات
۸۶	..... منابع

## فهرست جدول ها

- جدول ۱-۴: توزیع گروه نمونه اولیه بر اساس و نمره در مقیاس ناگویی خلقی و ابعاد آن..... ۶۰
- جدول ۲-۴: توزیع گروه نمونه اصلی بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی..... ۶۱
- جدول ۳-۴: میانگین و انحراف استاندارد اضطراب و افسردگی در گروه های مورد مطالعه..... ۶۱
- جدول ۴-۴: آزمون های چند متغیری جهت بررسی تفاوت متغیر ها در ترکیب  
خطی متغیرهای وابسته..... ۶۳
- جدول ۵-۴: نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری تفاوت متغیر ها در سه گروه..... ۶۳
- جدول ۶-۴: آزمون تعقیبی بن فرونی برای مقایسه میانگین های گروه ها..... ۶۴
- جدول ۷-۴: آزمون های چند متغیری جهت بررسی تفاوت متغیر ها در ترکیب خطی متغیر  
های وابسته..... ۶۵
- جدول ۸-۴ نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری تفاوت متغیرها در سه  
گروه..... ۶۶
- جدول ۹-۴: آزمون تعقیبی بن فرونی برای مقایسه میانگین های آزمون حافظه فعال..... ۶۷
- جدول ۱۰-۴: آزمون های چند متغیری جهت بررسی تفاوت متغیر ها در  
ترکیب خطی متغیرهای وابسته..... ۶۸
- جدول ۱۱-۴ نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری تفاوت متغیر ها در سه گروه..... ۶۸
- جدول ۱۲-۴: آزمون تعقیبی بن فرونی برای مقایسه میانگین های آزمون حافظه فعال..... ۷۰
- جدول ۱۳-۴: آزمون های چند متغیری جهت بررسی تفاوت متغیر ها در ترکیب خطی  
متغیر های وابسته..... ۷۱
- جدول ۱۴-۴: نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری تفاوت متغیر ها در سه گروه..... ۷۱
- جدول ۱۵-۴: آزمون تعقیبی بن فرونی برای مقایسه میانگین های آزمون برج لندن..... ۷۳
- جدول ۱۶-۴ بررسی فرضیه همگنی شیب های رگرسیون در آزمون حافظه دیداری  
ری..... ۷۴
- جدول ۱۷-۴: تحلیل کوواریانس یک طرفه جهت بررسی تفاوت گروه ها در آزمون  
حافظه دیداری ری..... ۷۵
- جدول ۱۸-۴: آزمون تعقیبی بن فرونی برای مقایسه میانگین های گروه ها..... ۷۵

# فصل اول

## گستره پژوهش

از نظر هیجانی توانمند بودن، روبرو شدن افراد با چالش‌های زندگی را آسان‌تر کرده و سطح سلامتی آن‌ها را بهبود می‌بخشد. افرادی که به صورت اجتماعی یا کفایت هستند نیازمند مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و شناختی و رفتارهایی هستند که به آن‌ها در سازگاری اجتماعی کمک می‌کند. به نظر می‌آید هیجان در زندگی روزمره نقش مهمی را بازی می‌کند. برای نمونه، هیجان‌ها پاسخ‌های رفتاری مناسب را فراهم می‌کنند، تصمیم‌گیری را تنظیم می‌کنند و تعامل‌های بین فردی را تسهیل می‌کنند. ناگویی خلقی یا نارسایی هیجانی به عنوان یک پدیده‌ی هیجانی شناختی به اختلال خاص در کارکرد روانی اطلاق می‌شود که در نتیجه‌ی فرآیند بازداری خودکار اطلاعات و احساسات هیجانی به وجود می‌آید. ناگویی خلقی در ویراست چهارم راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی به عنوان یک اختلال روانی طبقه بندی نشده، بلکه ویژگی‌ای است که از شخصی به شخص دیگر از لحاظ شدت متفاوت می‌باشد. افراد مبتلا به ناگویی خلقی، تهییج‌های بدنی بهنجار را بزرگ و نشانه‌های بدنی انگیزتگی هیجانی را به وسیله شکایت‌های بدنی نشان می‌دهند و در اقدامات درمانی به دنبال درمان نشانه‌های جسمانی هستند. در کنار مشکلات و کمبودهای هیجانی که افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی با آن روبرو هستند، مشکلات شناختی که همواره با مشکلات هیجانی همراه هستند، نقش عمده‌ای را در تداوم و تشدید علایم این مشکل بازی می‌کنند. آنچه در این میان با اهمیت است، نقش کارکردهای شناختی است، که در این افراد همراه با مشکلات هیجانی مشکلات این افراد را دو چندان می‌کند. بسیاری از مطالعات مولفه‌های بیانی پردازش هیجانی را به ساختارهای قطعه‌پیشانی مغز نسبت داده‌اند که نقش مهمی را در کارکرد های شناختی انسان ایفا می‌کند. در مدلی که تبیین می‌کرد مغز چگونه هیجان‌ها را تعدیل می‌کند، تعاملی

بین ارزیابی هیجان و جانبی شدن قطعه پیشانی مطرح شد (دیویدسون<sup>۱</sup>، اکمن<sup>۲</sup>، سارون<sup>۳</sup>، سنولیس<sup>۴</sup> و فرایزن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰). کارکردهای شناختی قطعه پیشانی که به کارکردهای اجرایی معروف هستند، شامل انعطاف پذیری شناختی، تصمیم گیری، کنترل بازداری، برنامه ریزی و سازماندهی، توجه انتخابی و سازماندهی هستند.

## ۱-۲ بیان مسأله

ناگویی خلقی<sup>۶</sup> اولین بار در سال ۱۹۷۲ توسط سیفنوس<sup>۷</sup> برای توصیف ویژگی‌های بیماران روان تنی<sup>۸</sup> ابداع شد. این واژه از ریشه یونانی (a به معنی فقدان، laxis به معنی کلمه و thymos به معنی هیجان) مشتق شده است، و حاکی از فقدان الفاظ برای ابراز هیجان است. این سازه که در ابتدا از مشاهدات بالینی بیماران اختلال‌های روان تنی به صورت نقص در بیانگری هیجانی ظاهر شد، توسط لارسن و همکاران مطرح گردید (لارسن<sup>۹</sup>، برند<sup>۱۰</sup>، برموند<sup>۱۱</sup> و هیجمن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳). ویژگی‌های برجسته ناگویی خلقی عبارتند از:

(۱) دشواری در تشخیص احساسات و تمایز میان احساسات و حساسیت‌های بدنی ناشی از برانگیختگی هیجانی

(۲) دشواری در توصیف احساسات برای دیگران

(۳) سبک شناختی با جهت گیری خارجی و وابسته به محرک یا تفکر برون مدار، که نوعی سبک شناختی است

که بیشتر به وسیله اشتغال در جزئیات ریز رویدادهای خارجی مشخص می‌شود تا احساسات، تخیلات و سایر

جنبه‌های تجارب درونی.

---

<sup>1</sup> Davidson

<sup>2</sup> Ekman

<sup>3</sup> Saron

<sup>4</sup> Senulis

<sup>5</sup> Friesen

<sup>6</sup> alexithymia

<sup>7</sup> Sifneos

<sup>8</sup> psychosomatic

<sup>9</sup> Larsen

<sup>10</sup> Brand

<sup>11</sup> Bermond

<sup>12</sup> Hijman



(۴) پردازش تصویری محدود و کاهش خیال پردازی (پارکر<sup>۱۳</sup>، تیلور<sup>۱۴</sup> و بگی<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۸؛ تیلور و بگی، ۲۰۰۰، به نقل از پالمر<sup>۱۶</sup>، دونالدسون و استاوق، ۲۰۰۲).

پژوهش‌ها نشان دادند که افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی دو مشکل عمده دارند، هر کدام با دو منظر (سطح کوچک‌تر): کاهش آگاهی عاطفی، که به وسیله (۱) دشواری در تشخیص احساس و (۲) دشواری در توصیف احساس نشان داده می‌شود؛ و تفکر عمل‌گرا: یک شیوه شناختی که به وسیله (۱) تفکر معطوف به خارج و (۲) کاهش فزاینده‌ی پردازش تصویری مشخص می‌شود (بگی، تیلور، پارکر و دیکنز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۶). موضوع اساسی در ناگویی خلقی به وسیله کمبود در نمادی کردن هیجان یا در پرورش و تنظیم هیجان مشخص می‌شود (واگنر<sup>۱۸</sup> و لی<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۸).

مطالعات تجربی نشان داد که افراد با درجه بالایی از تجربه ناگویی خلقی، دشواری‌هایی در تشخیص دقیق هیجان در تجلی چهره‌ای دیگران (لین<sup>۲۰</sup> و همکاران، ۱۹۹۶؛ پارکر، تیلور و بگی، ۱۹۹۳) دارند. همچنین افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی ظرفیت محدودی برای همدلی با هیجان‌های دیگران دارند (مک دوگال<sup>۲۱</sup>، ۱۹۸۹؛ تیلور، ۱۹۸۷). بعلاوه، شواهد تجربی وجود دارد که ناگویی خلقی با دشواری در تمایز قائل شدن میان حالت‌های هیجانی متفاوت (بگی، پارکر، تیلور و آکلین، ۱۹۹۳) و توانایی محدود برای فکر کردن و استفاده از هیجانات برای چیره شدن بر موقعیت‌های استرس‌زا (پارکر، تیلور و بگی، ۱۹۹۸) رابطه دارد.

مشخصه‌های ناگویی خلقی بیانگر نقایص در پردازش شناختی و تنظیم هیجانات هستند. از دیدگاه علوم شناختی هیجان‌ها به عنوان دسته‌ای از طرح‌واژه‌های مبتنی بر پردازش اطلاعات شناختی و شامل فرایندها و تجسم‌های نادین و غیرنمادین هستند (لومینت، ۲۰۰۶).

---

<sup>13</sup> Parker

<sup>14</sup> Taylor

<sup>15</sup> Bagby

<sup>16</sup> Palmer

<sup>17</sup> Dickens

<sup>18</sup> Wagner

<sup>19</sup> Lee

<sup>20</sup> Lane

<sup>21</sup> McDougall

پژوهش های فراوانی جهت تبیین علت مشکلات افراد دارای مشکلات هیجانی و افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی صورت گرفته است. در این میان برخی پژوهش های عصب روان شناختی به نقش قشر پیشانی و پیش پیشانی پرداخته اند.

مطالعه روی بیماران همراه با آسیب مغزی چپ و راست نشان داد، مناطق قدامی تر (مانند پیشانی) نسبت به مناطق خلفی نقش حیاتی تری در بیان هیجانات بازی می کنند(برود<sup>۲۲</sup>). استاس و همکاران (استاس<sup>۲۳</sup>، گو<sup>۲۴</sup> و هترینگتون<sup>۲۵</sup>) توضیح می دهند که بسیاری از یافته های پژوهشی کاهشی را در بیان هیجانی ، بعد از آسیب قطعه پیشانی نشان داده اند، کاهش بیان هیجانی برای توصیف افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی مورد توجه قرار گرفته است. کارکردهای سطح بالای شناختی و عاطفی بیشتر در قشر پیش پیشانی متمرکز شده اند، که تقریباً ۳۰ درصد از کل فضای قشری را اشغال می کند. قشر پیش پیشانی به دو بخش دورسولترال و ونترومدیال تقسیم می شود. بخش ونترومدیال پیشانی با ساختار لیمبیک در قطعه گیجگاهی میانی اتصال پیدا می کند، و از این رو برای فرایند های هیجانی و انگیزشی اهمیت دارد. دو بخش اوربیتوفرونتال و مدار سینگولیت (کمر بند) قدامی در بخش ونترومدیال پیشانی قرار دارند و نقش مهمی را در کارکرد های شناختی دارند. تحلیل کارکرد بخش اوربیتوفرونتال و مدار کمر بند قدامی درگیر یادگیری مرتبط با هیجان هستند. آسیب های اوربیتو فرونتال با کندی پاسخ هیجانی و یا تشدید عاطفه همراه بازداری پایین، رابطه دارد (کاندل، شوالتز و جسل، ۱۹۹۱؛ به نقل از لارسن، برموند و هیجمین، ۲۰۰۲). افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی که دچار آشفتگی هیجانی هستند بیشتر شبیه به گروه اول (کندی پاسخ هیجانی) هستند. آسیب در مدار کمر بند قدامی همچنین با جنبه های هیجانی ناگویی خلقی مانند کندی در تجربه هیجانی رابطه دارد (داماسیو و ون هویسن، ۱۹۸۳؛ به نقل از لارسن و همکاران، ۲۰۰۲). بعلاوه کاهش تجربه هیجانی در گروهی از بیماران که آسیب در قطعه پیشانی داشتند با اختلال در تشخیص هیجان (که یکی از ویژگی های اصلی ناگویی خلقی

---

<sup>22</sup> Borod

<sup>23</sup> Stuss

<sup>24</sup> Gow

<sup>25</sup> Hetherington

است) از طریق دیدن چهره و آوایی رابطه داشت (هورناک، رولز و وید، ۱۹۹۶؛ به نقل از لارسن و همکاران، ۲۰۰۲).

همان طور که مشاهده شد، پژوهش های گذشته تکنیک های علم عصب شناختی را برای نشان دادن بدکارکردی قطعه پیشانی در افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی به کار می بردند. هرچند یک مدل کارکرد قطعه پیشانی در ناگویی خلقی پدیدار شده است، اما حیرت آور است که اکثر مطالعات تا این زمان به طور گسترده ای کارکردهای شناختی همراه با بدکارکردی قطعه پیشانی را نادیده گرفته اند. کارکردهای شناختی به «کارکردهای اجرایی» معروف هستند. کارکردهای اجرایی به امور شناختی سطح بالای فرد مانند، اراده، افکار هدفمند، برنامه ریزی، خودآگاهی و خودپایی رفتار اطلاق می شود. کارکردهای شناختی قطعه پیشانی شامل موارد زیر هستند: (لزاک<sup>۲۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۴)

۱- مهارت های حرکتی،

۲- سرعت پردازش،

۳- توانمندی های دیداری فضایی

۴- حافظه کلامی (رمزگردانی و بازیابی)،

۵- حافظه دیداری (رمز گردانی و بازیابی)،

۶- کارکرد های اجرایی الف (بازداری/راه گزینی)،

۷- کارکردهای اجرایی ب (حافظه فعال)،

۸- کارکردهای اجرایی پ (استدلال، برنامه ریزی و حل مسئله)،

۹- کارکردهای اجرایی ت (ترکیب نمرات خطا).

مطالعات عصب روان شناختی در مورد ارزیابی توانمندی های ذکر شده سعی در ارزیابی جامع این توانمندی ها با استفاده از ابزارهای مختلف در چند زمینه خاص دارند، تا از این طریق نتایج واحدی را در یک توانمندی به

دست بدهند (برای مثال اندرسون<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۵؛ بدارد، جویال، گودبوت و چنتال، ۲۰۰۹). به این ترتیب احتمال کسب نتایج نادرست بین گروه‌ها به دلیل جامع بودن ارزیابی‌ها در ارتباط با یک متغیر خاص کاهش پیدا می‌کند (میلو<sup>۲۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). هرچند برخی از مطالعات شاخص‌های عصب روان‌شناختی کارکردهای اجرایی را در ارتباط با ناگویی خلقی در جمعیت‌های خاص بالینی مانند: ضربه مغزی آسیب‌زا، HIV و اعتیاد به هروئین مطالعه کرده‌اند. مطالعات اندکی الگوهای کارکردهای شناختی و ناگویی خلقی را در نمونه‌های غیر بالینی مطالعه کرده‌اند.

در پژوهشی که بوگدانووا<sup>۲۹</sup>، دیاز-سانتوس<sup>۳۰</sup> و گولومب<sup>۳۱</sup> (۲۰۱۰) انجام دادند، به بررسی کارکردهای اجرایی و همبسته‌های عصب روان‌شناختی ناگویی خلقی در افراد مبتلا به HIV پرداخته شد. این مطالعه سطوح بالای ناگویی خلقی و بد کارکردی شناختی را در افراد HIV+ نشان داد. نتایج این مطالعه نشان داد همبستگی معنا داری میان شدت ناگویی خلقی و عملکرد ضعیف در کارکردهای شناختی و دیداری فضایی در افراد مبتلا به HIV+ وجود دارد. نمرات مقیاس ناگویی خلقی تورنتو به طور معنا داری با عملکرد افراد HIV+ در سنج‌های توجه و حافظه فعال (فراخانی کلامی و فضایی)، سیالی مقوله‌ای (حیوانات)، استدلال فضایی و سازماندهی دیداری فضایی همبستگی داشت.

در پژوهش دیگری که روی همبسته‌های شناختی و روانی-اجتماعی ناگویی خلقی بر روی افراد دچار صدمه مغزی انجام شد، ناتوانی در تشخیص هیجان با نقص در کارکردهای اجرایی رابطه داشت. همچنین بیماران مبتلا به صدمه مغزی در تکلیف سیالی واژگان نمره کمتری نسبت به گروه کنترل دریافت کردند. نتایج این پژوهش اظهار می‌کند، باید توجه بیشتری در مورد ارزیابی پس از آسیب به سر داشت. این مطالعه

---

<sup>27</sup>- Anderson

<sup>28</sup>- Milev

<sup>29</sup> Bogdonova

<sup>30</sup> Díaz-Santos

<sup>31</sup> Golomb

همچنین خاطر نشان می‌کند که نشانگان مشابهی از ناگویی خلقی در افراد دچار صدمه مغزی اکتسابی می‌تواند رخ دهد (هنری<sup>۳۲</sup>، فیلیپس<sup>۳۳</sup>، کراوفورد<sup>۳۴</sup>، تئودورو<sup>۳۵</sup> و سامرز<sup>۳۶</sup>، ۲۰۰۶).

در مطالعه‌ای لوند<sup>۳۷</sup> و سارنسکی<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۲) همبستگی معنا داری میان ناگویی خلقی با حافظه ضمنی و سوگیری توجه پیدا نکردند. در این مطالعه سوگیری توجه به وسیله آزمون استروپ هیجانی و حافظه ضمنی توسط آزمون شناسایی ادراکی مورد سنجش قرار گرفتند.

مطالعه دیگری با بررسی رابطه میان ناگویی خلقی و کارکردهای شناختی در افراد مرد معتاد به هرئین با استفاده از آزمون دسته بندی کارت‌های ویسکانسین به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنا داری بین سطوح بالا و پایین ناگویی خلقی و پاسخ درجاماندگی و خطای درجاماندگی در تکلیف ویسکانسین وجود دارد (یینگ، زیونگ-زائو، شو-کیائو<sup>۳۹</sup> و شی-زیونگ<sup>۴۰</sup>، ۲۰۰۵).

مطالعه روی افراد بهنجار، نشان داد که سطح ناگویی خلقی به طور منفی با عملکرد در آزمون دسته بندی کارت‌های ویسکانسین رابطه دارد. در این مطالعه افراد با سطوح پایین ناگویی خلقی به طور معنی داری در تعدادی پاسخ‌های صحیح، میزان مفهوم سازی پاسخ‌ها در سطوح بالاتری قرار می‌گرفتند. در مقابل افراد با سطوح بالای ناگویی خلقی در تعداد پاسخ‌های غلط، پاسخ درجاماندگی، خطای درجاماندگی، خطاهای بی نظم (تصادفی) و تعداد شکست در نگهداری یک دسته در سطوح پایین‌تری قرار می‌گرفتند (زیونگ-زائو<sup>۴۱</sup>، زیائو-یان<sup>۴۲</sup> و یینگ<sup>۴۳</sup>، ۲۰۰۶).

---

<sup>32</sup> Henry

<sup>33</sup> Phillips

<sup>34</sup> Crawford

<sup>35</sup> Theodorou

<sup>36</sup> Summers

<sup>37</sup> Lundh

<sup>38</sup> Sarnecki

<sup>39</sup> Shu-qiao

<sup>40</sup> Shi-xiong

<sup>41</sup> Xiong-zhao

<sup>42</sup> Xiao-yan

<sup>43</sup> Ying

علاوه بر این یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد ناگویی خلقی نواقصی را در پردازش شناختی و تنظیم هیجانات منعکس می‌کند (تیلور و همکاران، ۱۹۹۷). و سرانجام اینکه افرادی که ناگویی خلقی را تجربه می‌کنند، کبودهایی را در پردازش شناختی، هیجانی و عاطفی از خود نشان می‌دهند ( فوکونیشی، هیوابایاشی، ماتسوموتو، یاماناکا و فوکوتاکی، ۱۹۹۹؛ لوملی و برگر، ۲۰۰۷؛ تموشوک و همکاران، ۲۰۰۸).

همان گونه که یافته‌های پژوهش‌های ذکر شده نشان می‌دهد افراد مبتلا به ناگویی خلقی در کارکرد های اجرایی نسبت به گروه عادی کمبودهایی را دارا هستند. هرچند اکثر این پژوهش‌ها بر روی افراد و گروه های نمونه خاص صورت گرفته و یا از بررسی های ساختاری مغز استفاده نموده اند و کمتر به کارکرد های شناختی افراد در گروه های عادی پرداخته شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی کارکردهای عصب روان شناختی در سطوح مختلف ناگویی خلقی است، جمعیت هدف این پژوهش جمعیت بهنجار است که در پژوهش‌های گذشته کمتر به آن توجه شده است، علاوه بر این در این پژوهش از دامنه وسیعی از آزمون‌های عصب روان شناختی استفاده شده است، که با هدف بدست آوردن نتایج قابل اطمینان در زمینه کارکردهای عصب روان شناختی صورت گرفته است.

از آنجا که رابطه شناخت و هیجان یک رابطه متقابل و غیر قابل انکار است و همان طور که شناخت ها می‌توانند نیروی محرکه‌ای برای هیجان‌ها باشند، هیجان‌ها نیز می‌توانند شناخت ها را تحت تأثیر قرار دهند. ناگویی خلقی نوعی ناتوانی در تنظیم هیجانی است که افراد را در شناسایی و توصیف هیجان‌ها و نیز برقراری ارتباط موثر با دیگران و روابط بین فردی ناتوان می‌کند که این ممکن است به دلیل مشکلات در شناسایی و توصیف هیجان‌های دیگران و برخورد نامناسب با این هیجان‌ها باشد. اثر متقابل شناخت ها و هیجان‌ها بر یکدیگر سبب می‌شود لزوم کشف مشکلات شناختی در افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی احساس شود. تا بتوان با شناسایی پایه‌های احتمالی این مشکل در کشف راه حلی منطقی و موثر جهت بهبود نسبی آن گام برداشت. اهمیت این مسأله زمانی مشخص می‌شود که بدانیم پژوهش‌ها نشان داده‌اند، کارکرد های اجرایی

می‌توانند به بهبود در تنظیم هیجانی افراد کمک فراوانی بکنند. در این پژوهش به بررسی کارکرد های اجرایی در افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی پرداخته خواهد شد تا درک روشن‌تری از مشکلاتی که این افراد با آن دست و پنجه نرم می‌کنند فراهم شود.

### ۳-۱ هدف های پژوهش

#### ۱-۳-۱ هدف کلی:

➤ هدف کلی این پژوهش، بررسی تاثیر تنظیم هیجانی ضعیف بر عملکرد شناختی در افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بود.

#### ۱-۳-۲ هدف های جزئی:

➤ مقایسه عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی در کارکرد های اجرایی (بازداری/راه‌گزینی؛ حافظه فعال؛ استدلال، برنامه‌ریزی و حل مسئله؛ خطا در تکلیف اجرایی) با افراد با خصوصیات متوسط و فاقد خصوصیات ناگویی خلقی.

➤ مقایسه عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی در حافظه دیداری-فضایی با افراد با خصوصیات متوسط و فاقد خصوصیات ناگویی خلقی.

### ۴-۱ فرضیه‌ها

۱- عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بالا در کارکردهای اجرایی (بازداری/راه‌گزینی) ضعیف‌تر از عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی پایین و متوسط است.

۲- عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بالا در کارکردهای اجرایی (حافظه فعال) ضعیف‌تر از عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی پایین و متوسط است.

- ۳- عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بالا در کارکردهای اجرایی (استدلال، برنامه ریزی و حل مسئله) ضعیف‌تر از عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی پایین و متوسط است.
- ۴- عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بالا در کارکردهای اجرایی (خطاها در تکلیف اجرایی) ضعیف‌تر از عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی پایین و متوسط است.
- ۵- عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی بالا در حافظه دیداری ضعیف‌تر از عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی پایین و متوسط است.

## ۵-۱ تعریف نظری و عملیاتی متغیرها:

### ۱-۵-۱ تعریف‌های نظری

**کارکردهای اجرایی:** به توانمندی‌های شناختی لازم برای انجام رفتارهای پیچیده معطوف به هدف و سازگاری با طیفی از تغییرات و مطالبات محیطی شامل برنامه‌ریزی، پیش بینی (انعطاف پذیری شناختی<sup>۴۴</sup>)، معطوف کردن منابع توجه به ملزومات رویدادهای غیر معمول و همچنین خودپایی رفتار اطلاق می‌گردد (لورینگ<sup>۴۵</sup>، ۱۹۹۹).

**ناگویی خلقی:** صفتی شخصیتی است که مشخصه آن کاهش توانایی افراد در تشخیص و توصیف هیجان‌ها است که در دامنه وسیعی از اختلالات رفتاری و جسمانی دخیل است (کانو و همکاران، ۲۰۰۳).

---

<sup>44</sup> - Cognitive flexibility

<sup>45</sup> - Loring



## ۱-۵-۲ تعریف‌های عملیاتی

کارکرد های اجرایی: در پژوهش حاضر کارکرد های اجرایی در زمینه‌های (بازداری/راه‌گزینی)، (حافظه فعال)، (استدلال، برنامه‌ریزی و حل مسأله) و (خطاها در تکلیف اجرایی) مورد آزمون قرار می‌گیرد.

خصوصیات ناگویی خلقی بالا: نمره بالاتر از ۶۲ که آزمودنی در مقیاس ناگویی خلقی تورنتو (TAS-20) می‌گیرد.

خصوصیات ناگویی خلقی متوسط: نمره بین ۵۳ تا ۶۱ که آزمودنی در مقیاس ناگویی خلقی تورنتو (TAS-20) می‌گیرد.

خصوصیات ناگویی خلقی پایین: نمره پایین‌تر از ۵۲ که آزمودنی در مقیاس ناگویی خلقی تورنتو (TAS-20) می‌گیرد.

## ۱-۶ ضرورت انجام پژوهش

این نکته که عملکرد افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی در آزمون‌های شناختی نسبت به گروه‌های دیگر چگونه است مورد توجه تعداد محدودی از پژوهش‌ها قرار گرفته، این پژوهش‌ها اکثر بر روی جمعیت‌های خاص (مانند: ایدز و اعتیاد) صورت گرفته و یا از تعداد محدودی از آزمون‌های عصب روان شناختی جهت مقایسه این افراد بهره برده‌اند. این مطالعات در زمان‌های متفاوت و با نمونه‌های دارای حجم مختلف و همچنین با استفاده از ابزارهای تشخیصی غیر یکسان صورت گرفته است. لذا در حال حاضر امکان دستیابی به یک نتیجه نسبتاً کامل در مورد کارکرد های اجرایی در افراد دارای خصوصیات ناگویی خلقی در جمعیت‌های عادی و مقایسه آن با گروه‌های دارای خصوصیات ناگویی خلقی متوسط و پایین (به عنوان یکی از اهداف مطالعه حاضر) وجود ندارد. در این پژوهش، استفاده از چندین آزمون عصب روان شناختی امکان مقایسه گروه‌های مورد مطالعه در زمینه‌های بیشتری از کارکرد های اجرایی (برنامه‌ریزی، کنترل بازداری، حافظه فعال، عملکرد دیداری فضایی، توانایی تغییر مجموعه و خطا در تکالیف اجرایی) را فراهم آورده است.

این پژوهش در عین حال که برخی پژوهش‌های پیشین را تکرار می‌کند؛ به بررسی کارکردها در جمعیت بهنجار و با دامنه وسیع‌تری از آزمون‌ها می‌پردازد. با بدست آوردن شناخت بیشتر نسبت به این پدیده؛ راه برای مداخله و درمان آن هموارتر و روشن‌تر خواهد شد.

# فصل دوم

## پیشینه پژوهش

مطالعه در مورد ابعاد شناختی اختلال‌های هیجانی موضوعی است که در سال‌های اخیر بیشتر به آن پرداخته می‌شود. رشد فزاینده دیدگاه‌های شناختی در خصوص تبیین تحولات شناختی افراد مبتلا به اختلال‌های هیجانی از یک طرف، و توسعه روش‌های درمانی جدید به ویژه شناخت درمانی و دستیابی به روش‌های ارزیابی و تشخیصی جدید که از مشکلات شیوه‌های رایج برخوردار نباشد از سوی دیگر، موجب گردیده است تا محققان بیش از پیش به این مطالعات روی آورند.

از وجوه بارز اختلال‌های هیجانی وجود و بروز مشکلات شناختی در ابعاد مختلف نظیر توجه، بازداری رفتاری، برنامه ریزی، حافظه کلی، حافظه فعال و خطا در تکالیف اجرایی می‌باشد. در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی درباره عملکرد شناختی افراد و تنظیم هیجانی صورت گرفته است. علی‌رغم اینکه یافته‌های بسیاری از این مطالعات، پژوهشگران را به هدف نزدیکتر کرده است، اما سوالات بسیاری وجود دارد که انجام پژوهش‌های جامع در گذر زمان، می‌تواند به آن‌ها پاسخ گوید. از جمله مواردی که در این زمینه می‌توان به آن توجه کرد این است که عملکرد گروه‌های خاص دارای مشکلات هیجانی «مانند ناگویی خلقی» در کارکرد های اجرایی و شناختی چگونه است؟ آیا این افراد می‌توانند همانند گروه‌های دیگر رفتار های خود را بازداری کنند، برنامه ریزی کنند، به خاطر بسپارند و همانند گروه‌های دیگر با احتمال کم‌ترین خطا انجام دهند؟

## ۲-۱ شناخت و هیجان

تأثیر هیجان بر طرز تفکر و عمل ما در موقعیت‌های اجتماعی چیست؟ از زمان‌های بسیار دور، فلاسفه، نویسندگان و مردم عادی مسحور تعامل پیچیده هیجان و شناخت در امور انسانی بوده‌اند. از یک سو، غالباً فرض بر این بوده است که هیجان تأثیر مختل‌کننده و مضرّی بر تفکر و رفتار دارد، و بر این اساس، برخی